

ماښامه آکاښی حقوتی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

سال هفتم

شماره ۱۱۹

۳۱ ثور ۱۳۹۲

21

may

(سوره بقره آیه ۳۸)

و بدانید که اموال و فرزندان شما (وسیله) آزمایش [شما] هستند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است.



حقوق فرزندان

بیچ ونگون سبب فرسین رسولان

تدویر کنفرانس ملی بدیل های حجز



کنفرانس دو روزه تحت عنوان (کنفرانس ملی بدیل های حجز) از طرف وزارت عدلیه بسمه کتمک و همکاری دفتر پروگرام حمایت سکور عدلی افغانستان (JSSP) روز یکشنبه ۱۳۹۲/۲/۱۵ در هتل صافی لاندمارک برگزار گردید.

دین کنفرانس سید محمد هاشمی معین اداری وزارت عدلیه، رحیم الله مجددی رئیس دفتر JSSP و نمایندگان یونیسف، لوی خانوالی، وزارت امور داخله، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت معارف، وزارت صحت عامه، رئیس محکمه استیناف شهر کابل، آقای صدیقی رئیس عمومی مراکز اصلاح و تربیت اطفال و جمعی کثیری از قضات، کارنوالان، وکلاء مدافع و کارمندان اجتماعی از مرکز و ولایات کشور اشتراک نموده بودند.

ابتدا معین اداری وزارت عدلیه پیرامون موضوع صحبت نموده و نگرانی خویش را از آمار روز افزون محجوزین ابراز نموده فرمود: تعداد محجوزین که در ماه حوت سال ۱۳۹۰ در مراکز اصلاح و تربیت اطفال نگهداری میگردید، به ۸۹۱ نفر رسید در حالی که این تعداد در ماه حوت سال ۱۳۹۱ به ۱۱۴۳ نفر افزایش یافته است، که در واقع در یک سال ۲۵۲ نفر از زیاد را نشان میدهد که این جدا ماه نگرانی ماست.

وی همچنان از بدیل های حجز که در ماده ۳۵ قانون طرز رسیدگی به تخلفات اطفال تعیین گردیده یاد آوری نموده و حجز طفل را در مراکز اصلاح و تربیت اطفال آخرین گزینه تلقی نمود و از محاکم محترم خواست که در این رابطه توجه جدی و مسوولانه داشته و حجز را به عنوان آخرین راهکار در نظر بگیرند، زیرا حجز یک نوع محدودیت و سلب آزادی برای اطفال است.

آقای هاشمی در قسمت از سخنان شان از ابهامات و تناقضات که در قوانین مرتبط به تخلفات اطفال و قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال وجود دارد، یاد آوری نموده و پیشنهاد نمود که بعضی از مواد این قوانین باید بازنگری و برای بعضی از آنها طرز العمل و رهنمود ساخته شود، زیرا بحث مکلف نمودن طفل به انجام خدمات اجتماعی و اعزام آنها به موسسات اختصاصی خدمات اجتماعی، اگر طی یک طرز العمل یا رهنمود صورت نگیرد، در شرایط فعلی با وضوح و وجود دارد برای محاکم هم مشکل ساز خواهد بود که اطفال را به کجا و تحت کدام شرایط معرفی نمایند.

وی در اخیر ابراز امیدواری نمود که درین کنفرانس مهم دو روزه در ارتباط به مشکلات که در تطبیق قوانین مرتبط به تخلفات اطفال وجود دارد، بحث های فشرده و مثبت صورت گرفته و راهکار های مناسبی را برای بدیل های حجز پیشنهاد نمایند.

مزید بر آن نمایندگان محترم لوی خانوالی، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت امور داخله، رئیس دفتر JSSP و رئیس محکمه استیناف شهر کابل پیرامون موضوع صحبت همه جانبه نمودند.

دین کنفرانس که به مدت دو روز ادامه یافت، روی بدیل های حجز و چگونگی تطبیق آن بحث صورت گرفت.

پدر و مادر وجود و شخصیت یکدیگر و اهداف خداوند (؟) که در مورد آفرینش انسان را کامل میگرداند و ارتباط میان آنها در طول زندگی دنیا و پس از مرگ هم ادامه خواهد داشت، پدر و مادر در زندگی دنیا به فرزندان خوب و شایسته خود افتخار مینمایند و آنها را از زیستگهی و نعمت به شمار میآورند.

پس از مرگ پدر و مادر، فرزندان یادگار آنان و بازتاب شخصیت آنها به شمار میروند و چنانچه فرزندان پاک و برهیز گاری باشند سبب باران رحمت و طلب مغفرت مردم بردهای خانواده آنها خواهند بود و در واقع نیک مردی و دینداری پدر و مادر، بر فرزندان آنها تأثیر به سزایی را از خود برجای خواهد نهاد.

به همین خاطر پدر و مادر در مقابل فرزندان خود بسیار مسئول میباشند و فرزندان حتی پیش از تولد و پس از آن حق و حقوقی را بر عهده پدر و مادر خویش دارند، والدین برای آن که نمره زندگی آنها ثمرات مفیدی باشد، باید نسبت به مسئولیتهای خود در مقابل فرزندان احساس مسئولیت بنمایند. بنأ این نوع حقوق در دو مرحله تبارز می کند، که نخست مرحله قبل از تولد و سپس مرحله بعد از تولد را مورد بحث قرار می دهیم.

حقوق قبل از تولد فرزندان:

اول- حق حیات: قسیمی که ماده ۲۳ قانون اساسی حق حیات را یکی از حقوق طبیعی انسان میداند و بر همین اساس سقط جنین بنا بر رای معتبر و بر سر - مگر در موارد خیلی ضروری و غیر قساتونی و نامشروع است. زمانی اسقاط آن مباح است که طبیب متخصص مطمئن باشد که بدون اسقاط جنین، مادر او تلف میشود. مواد ۴۰۲ الی ۴۰۶ قانون جزای نافذ کشور نیز اسقاط جنین را جرم شمرده و برای آن با در نظر داشت حالات از جزای نقدی الی حبس ۷ سال را پیشبینی کرده است. اما سقط جنین را در یک حالت مباح دانسته است که همانا نجات حیات مادر بوده و طبیب متخصص مطمئن باشد که اگر جنین سقط نشود، حیات مادر در خطر است.

دوم- مادر خوب: برای آن که فرزندان خوب و برهیز گاری تربیت شوند، پدر را لازم هست دیندار و با اخلاقی را انتخاب نماید همسری که در خانواده اهل دین و اخلاق، با کرامت و احترام پرورش یافته باشد. برخورداری از این صفات جزو مستحبات گزینش همسر است. رسول خدا (ص) فرمودهاند: مبه چهار دلیل زنان به همسری برگزیده میشوند: به خاطر مال و ثروت، نسب و خانواده زیبایی، دینداری، شما دیندار و برهیز کار را انتخاب کنید؛ زیرا سبب خیر و برکت خواهد بود. حدیث شریف.

سوم- محافظت از سلامت جنین: یکی از مواردی که لازم است مادران باردار به آن توجه کنند، مراقبت از جنین در دوران بارداری است که در صورت امکان چندین بار به طبیب متخصص (جنینالمانک طبیب زن) مراجعه نمایند و به دستورات غذایی و محصی او عمل کنند و دواهایی را که پزشک تشخیص میدهد برای جنین زیاتاً و راست مصرف نمایند.

حقوق پس از تولد فرزندان:

اول- خواندن اذان و اقامه: مستحب است که در گوش راست نوزاد اذان و در گوش چپ او اقامه خوانده شود. تا اولین کلماتی را که میشنوند، توحید و یکتاپرستی و بیان عظمت خداوند باشد.

دوم- نام نیکه: کود کان این حق را دارند که والدین آنها بهترین و زیباترین نام را بر ایشان انتخاب کنند. لازم به یاد آوری است که گذاشتن دو نام از نظر شرعی مانعی ندارد. زیرا رسول خدا (ص) همین کار را انجام میداده است.

سوم- عقیقه: به حیوانی گفته میشود که در روز هفتم تولد فرزند برای پذیرایی از خویشاوندان و دوستان و مستندان ذبح میشود. اقسام به این مهمانی و پذیرایی در حد توان خانواده کاری مستحب است و واجب نمی باشد؛ زیرا ابن عباس روایت نموده که رسول خدا (ص) برای هر یک از حسن و حسین (ص) گوشتندی را ذبح نموده است.

ادامه در ص ۲۱

اسلامی قانون د تولنیز ژوندانه لازمه ده

خبره و ښکته سید عرف مباح

ځکه په خاص ډول قران او سنت په اسلامي فقه باندې زيات تاکيد او سهارښونه کړي او الله تعالی د توبه په ۱۲۲ سوره کې خپلو بنده گناهو ته هدايت ورکوي (د جهاد په زماني کې بايد ټول مسلمانان جهاد ته لار نشي بلکه يوه طایفه د فقهی مسلو د زده کړې لپاره د حضرت (ص) سره په مجلس کې کښی تر څو خپل قوم ته تعليم او زده کړه ورکړي او زيات شمېر احاديث د اسلامي فقه په رغبت کې راغلي او وپيل شوي اسلامي فقه چې خالي بابونه او شعبي لري په هر مسلمان شخص باندې واجب ده چې داسلامي فقه د زدکړې تکليف او عملي کول پرځان واجب وگرځوي تر څو خپل د تولنيز ژوندانه او دنيا ته د راتگ اود اخرت محاسبه نه په ورنک هدف او تکليف بشپړ او رسگار شخص محسوب شي.

د اسلام په لحاظ انسان يو موظف ، مکلف او مسول موجود ده او د انسان رسالت هغه انسان چې مسلمان وي د دغه مسوليتونو او مکلفيتونو د ادا ه او عملي کولو رسالت ده.

اسلامي فقه د دواړو نکاليفو توضيح او د عملي کولو څرنگوالي انسان ته وړاندې کړې چې د اسلامي فقه په لحاظ په پنځه گونو احکامو يادېږي ، يعنې کوم کارونه په انسان واجب او کوم کارونه منع ، حرام نازه او يا مباح دي. داوړل مسوولونه په اسلامي فقه کښي پيدا کېدای شي.

اسلامي فقه په خپل پراخه وسعت سره اسلامي حقوق دی څرنگه چې په حقوق کې د حقوقو څانگې او نوعيت لکه قضايي حقوق ، سياسي حقوق ، نړيوال حقوق (بين المللي حقوق) ، کورني حقوق موجوديت لري اسلامي فقه پدې ډول څانگې ، انواع او په شعبو تقسيم شوي يعنې په اسلامي فقه کې عبادي فقه ، قضايي فقه ، سياسي فقه او لرو .

د پورتنی اصل په اساس اسلامي قانون (فقه) په تولنيز ژوندانه کې ډير بنيادي او اساسي ارزښت او نقش لري او د انسان روابط د الله تعالی سره همدارنگه په تولنيز ژوندانه کې د انسان رابطه د انسان سره برابره او تنظيموي .

حقوق فرزندان

چهارم - تحنیکت: تحنیکت این است که دانهای خرما یا مقداری عسل با کمی آب یکجا شوند تا به صورت مایع دربیاید و با مقداری از آن، کام و دهان نوزاد شیرین شود و بتواند مقداری از آن را هم از گلو فروبرد.

پنجم - ختنه: ختنه به معنی بردن مقداری از پوست ذکر است و جزو سنهای فطری بشری به شمار می‌رود و کار بسیار سنجیده‌ای است؛ زیرا باعث صحت و نظافت میشود و از جمع شدن میکروب و باقیمانده ادرار در لای آن جلوگیری مینماید و همچنین از التهابات جلوگیری میکند و ختنه از نظر مالکیه و حنفیه مستحب است.

ششم - سوراخ کردن گوش: سوراخ کردن گوش نوزادان پسر کراهت دارد و طبیعتاً نیازی به چنین چیزی ندارند، اما بیشتر فقها بر این باورند که سوراخ کردن گوش دختران به خاطر زیبایی و علاقه‌ای که طبیعتاً بنگونه مسایل دانه، میاح است؛ زیرا در زمان رسول خدا مردم این کار را انجام میدادند و رسول خدا آنها را از آن نهی نفرمود.

هفتم - نسب: این حق کودکان است که به والدین خود نسبت داده شوند، چنانچه قانون مدنی افغانستان در ماده ۲۱۸ خود چنین صراحت دارد: «طفل هر زوج در ازدواج صحیح منسوب به زوج میگردد. مشروط بر اینکه کمترین مدت حمل در عقد ازدواج سببی شده مفارقت و خلوت صحیحه بین زوجین ثابت باشد.» و کمترین مدت حمل رانیز ماده ۲۱۷ شش ماه کامل تعیین نموده است، یعنی هر گاه زوج در مدت کمتر از ششماه از عقد ازدواج وضع حمل نماید، چنین طفل منسوب به زوج نمی‌گردد. مگر اینکه زوج نسبت طفل را بغیر از طریق زنا بخورد ادا نماید.

هشتم - دادن شیر: حق کودکان است که از زمان تولد تا زمانی که می‌توانند غذا را تناول نمایند، از شیر مادر خود استفاده کنند. در صورتی که مادر نتواند به طفل خود شیر دهد شخصی که متکفل نفقه فرزند است مکلف به تعیین شیر دایه "بیه طفل میگردد. در این زمینه ماده ۲۲۹ قانون مدنی تصریح می‌کند، که: "اجرت شیر دادن طفل بدمه شخصی است که به ادا نفقه وی مکلف است. این اجرت به مقابل تقذیه طفل پرداخته می‌شود" قابل تذکر است که مادر طفل در وقتیکه در قید نکاح زوج بوده یا در عقد طلاق رجعی باشد، مستحق اجرت شیر دادن طفل نمی‌گردد، اما در صورتیکه مادر، طفلش را در خلال عقد طلاق بائن یا به بعد از تکمیل آن شیر دهد، مستحق اجرت میگردد. همچنان اجرتیکه نسبت شیر دادن برای مادر تعیین می‌گردد، به علت وفات پدر طفل ماسبق نشده، از ترکه متوفی مثل سایر دیون پرداخته می‌شود.

نهم - مهربانی با کودکان: کودکان برای رشد و نمو و اعتدال زندگی و عواطف خویش به محبت، عشق، مراقبت و شفقت نیاز دارند، تا از شخصیتی متوازن و به دور از ناهنجاری روانی و عقده‌های گوناگون، برخوردار شوند؛ زیرا چنانچه کودکان از طرف نزدیکان بی‌مه و بی‌مهربان، مادر، پدر، کلان، مادر کلان، خواهران و برادران مورد توجه، مراقبت و محبت قرار نگیرند، در تنگای روحی و معنوی قرار گرفته و دچار ناراحتی و بی‌پای می‌شوند و گاهی ناراحتی خود را از طریق گریه بروز میدهند، یکی از ویژگیهای اهل ایمان مهربانی با دیگران به ویژه فرزندان است و گاهی به وسیله بوسیدن، نوازش، خریدن هدیه و ... از آن تعبیر میشود. رسول خدا (") با کودکان بسیار مهربان بود و برای شادمانی و سرورشان تلاش می‌فرمود.

یکی از لوازم محبت و مهربانی با کودکان سلام کردن به آنان است؛ زیرا سلام گفتن به کودکان احساس هویت و شخصیت را در آنان شگرفا می‌نماید و آنها را متوجه مینماید که آنها سرمایه و توشه آینده زندگی هستند و در واقع سلام، احوالپرسی و اهتمام به کودکان تربیت عمیق خوبی برای آنهاست. نهال مهربانی را در درون آنها میرویانند و بسزرگ میکند.

دهم - تداوی: معالجه بیماریها به ویژه در عصر حاضر به صورت ضرورت حیاتی همچون غذا و هوا درآمده است و تداوی و معالجه بیماریهای کودکان همچون فراهم نمودن دیگر ضروریات و احتیاجات زندگی، به هزینه و مخارجی نیاز دارد. در واقع تداوی، اقدام به توسل به اسباب و وسایلی است که از نظر شرع و عادت مطلوب میباشد؛ زیرا اسلام مسلمانان را به تداوی (به جز از چیزهای حرام) فراخوانده و احادیث بسیاری در این رابطه روایت شده است.

یازدهم - حسن انتخاب مربی: چنانچه کسی به جز مادر کار نگهداری و تربیت کودک را برعهده داشته باشد، والدین موظف به انتخاب مربی پاک، پرهیزگار، اهل شرافت و کرامت و دیانت میباشد؛ زیرا کودکان تحت تأثیر خوب و بد مربی خود قرار میگیرند. این واقعیت را ما امروزه به خوبی مشاهده مینماییم، و نقش ام ایمن را در تربیت رسول خدا (") و محبت و علاقه رسول خدا (") را به او هم میدانیم.

دوازدهم - تربیت خوب: تربیت به معنی در مسیر رشد و تعالی و تکامل قرار دادن گام به گام یا به وجود آوردن تدریجی چیزی، تا رسیدن به حد کمال است. تربیت چیزی فراتر از تعلیم است و در واقع تربیت جسمی و مادی، تربیت روحی و اخلاقی، تربیت استعدادها، توصیه آنها را به سوی ارزشهای معنوی و اخلاقی، تربیت عقلی و فکری، تربیت آگاهی و شناخت، تربیت رفتار، سلوک اجتماعی و سیاسی و عادت دادن به رفتارهای صحیح فردی و اجتماعی را شامل میشود. نوع اخیر که زمینه موفقیت در زندگی اجتماعی را فراهم مینماید، شامل التزام به احکام و آداب شریعت اعم از عقاید و عبادات و معاملات میشود. پدر و مادر موظف به تربیت اسلامی پاک و سالم فرزندان خود میباشد. همچنین لازم است در جهت پرورش اندیشهها و اخلاق و اعمالی همچون: قسوه اراده، نیروی شخصیت، تسامح و بخشندگی، پرهیز از اسراف و ریخت و پاش، انتخاب دقیق خوب و پرهیز از دوستان نااهل، از هیچ تلاشی دریغ نوزند و در همه مراحل کودکی، نوجوانی، بلوغ و ازدواج از ارشاد و راهنمایی و پاری به آنها کوتاهی نکنند.

سیزدهم - مساوات میان فرزندان: رعایت مساوات میان فرزندان از نظر اکثریت قاطع علما مستحب و مطلوب است، عدم رعایت عدالت و مساوات میان فرزندان زمینه را برای منازعه و دشمنی و کینه میان آنها فراهم مینماید. چنانچه پیغمبر اکرم میفرماید: «از خدا پیر میسر و بین فرزندان نان عدالت کتب».

چهاردهم - نفقه و مصارف فرزندان: پدران و مادران مسئولیت دارند که در زمان کودکی و نوجوانی تا پایان تحصیل و یافتن کار مخارج لباس و خوراک و تحصیل فرزندان خویش را فراهم نمایند. همچنان تأمین غذای، لباس و مخارج ایام تحصیل در حد توان بر والدین لازم است و نیازهای او در حد کفایت باید برطرف شود.

اما اگر کودکی هیچ کس را نداشته باشد که مخارج زندگی را تأمین نماید، باید از بیتالمال و بودجه حکومت خوراک، لباس، مسکن و مخارج تحصیل او تهیه شود و مسئولیت تأمین مخارج فرزندان تا رسیدن به حد بلوغ، توانایی کار و کسب درآمد و همچنین تا پایان تحصیل و یافتن کار باید ادامه پیدا نماید تا دچار سرگردانی و مشکلات نشوند. پدر والدین و سرپرستان واجب است که مخارج زندگی فرزندان خود را از درآمد حلال و پاک تأمین نمایند، در غیر اینصورت عواقب زیانباری را برای خود و فرزندان آنها به وجود خواهد آورد و جسمی که از مال حرام رشد کند، به جز بدبختی، بیچارگی و مشکلات دنیا و آخرت چیزی در انتظار او نخواهد بود.

تأمین نفقه و هزینه از خود سرپرست خانواده شروع میشود و پس از او همسر و بعد از او باید شامل بقیه اعضای خانواده شود این کار نزد خداوند دارای اجر اخروی نیز میباشد. رسول خدا (") فرموده‌اند: «در میان دیناری که برای جهاد و دیناری که برای آزادی بردگان و دیناری که به مستمندان داده میشود و دیناری که برای خانواده خرج میشود، بیشترین اجر را آن دیناری دارد که برای خانواده خرج شده است.»

ماده ۲۵۶ قانون مدنی نفقه را با تمام انواع آن در قسمت پدر صغیر تا وقت تسکین و کار و در قسمت دختر صغیره تا وقت ازدواج بدوش پدر می‌داند. همچنان نفقه پدر کسب و کار را نداشته و فقیر باشد، همچنان نفقه دختر کبیره فقیره تا وقت ازدواج بدوش پدر وی می‌باشد. اما در صورتیکه پدر یا دختر صاحب درآمد و عاید باشند طبق صراحت ماده ۲۵۸ قانون مذکور از عواید خود شسان تأمین و در صورت عدم کفایت بقیه از جانب پدر پرداخته می‌شود.

اما در صورتیکه پدر یا دختر صاحب درآمد و عاید باشند طبق صراحت ماده ۲۵۸ قانون مذکور از عواید خود شسان تأمین و در صورت عدم کفایت بقیه از جانب پدر پرداخته می‌شود.

اما در صورتیکه پدر یا دختر صاحب درآمد و عاید باشند طبق صراحت ماده ۲۵۸ قانون مذکور از عواید خود شسان تأمین و در صورت عدم کفایت بقیه از جانب پدر پرداخته می‌شود.

پانزدهم - ارث: یکی دیگر از مهمترین حقوق فرزندان بر پدر و مادر حق ارث بردن است. این حق، حتی اجباری است و هیچکس نمیتواند آن را نادیده بگیرد و نمیتواند هیچ یک از وارثین را از سهم خود محروم نماید. سیستم و نظام وراثت در اسلام بسیار عادلانه است و با مسئولیتهای مالی و اقتصادی ارتباطی نزدیک دارد؛ به این دلیل که مردان مکلف به تأمین مخارج ازدواج و مهریه و نفقه خانواده‌ها، سهم ارث شان از زنان بیشتر است. و زنان چه قبل از ازدواج یا پس از آن در مورد مخارج زندگی مسئولیتی ندارند و به همین علت است که سهم ارث شان از مردان کمتر است و سهم سهمی را هم که به او تعلق میگیرد، میتواند برای خود پسنداند و نماید و تنها با میل و رضایت خویش مقداری از آن را خرج کند.

- منابع:
1. قانون مدنی افغانستان، جلد اول.
 2. رحیلی، وهبه. حقوق خانواده در جهان معاصر.
 3. عدالتخواه، عبدالقادر. حقوق فامیل.
 4. حقوق خانواده و طرز رسیدگی به دعای آن، گلوبل رایس.

اصطلاحات حقوقی

اتلاف انوب

تلف کردن و از بین بردن نهای آب که باعث زیر آب شدن زمین شخص دیگر گردد.

اتلاف باسبب

سببی که شخص باعث از بین رفتن مالی گردد

اتلاف بنا

تخریب اماکن، منازل و تعمیراتی که در مخالف احکام قانون می باشد..

اتلاف جزئی

از بین بردن قسمتی از یک مال یا نفس و یا امان نمودن برخی اجزای یک حق.

اتلاف دارانی عامه

کار برد واسعمال غیر قانونی اموال و ملکیت ها، دارانی و حقوق ملکیت های دولتی و عامه توسط اشخاص مسوول و غیر مسوول .

اتلاف دیوار

از بین بردن دیوار های ملکیت غیر.

اتلاف کمال

از بین بردن تمام یک مال و یا نفس و امان نمودن یک حق.

اتلاف مال مورد امانت

از بین بردن، خراب کردن، شکستن، سوزاندن و یا مصرف کردن مال مورد امانت بصورت عمدی.

اتلاف مباشر

از بین بردن مال یا یک شی به صورت مادی.

ایقاع مال مشاع

نگهداشت و عدم تقسیم مال مشترک که بر اساس حکم و یا موافقه شرکا.

ایبلاغ تحریری

بیان نمودن کتبی حکم و یا اقرار یک مرجع عدلی و قضایی و نیز بیانات کتبی اشخاص حقیقی و حکمی در مختلف اعم از عقود و تعهدات قراردادی آنها به جوانب مقابل.

اتحاد سبب

حالتی که در صورت سبب وحدت، دعوی شخص واحد بالای چند نفر اقامه شده میتواند.

اتفاق آرا

حالتی که صد فیصد آرا را تشکیل میدهد.

اتفاق جرم

اشتراک چند نفر در یک عمل جرمی و توافق آنها برای ارتکاب جرم یا جرایم.

تکای بیع

تعلق گرفتن بیع به یک شخص حقیقی یا حکمی، در معامله ایکه بطور مزایده صورت گیرد.

اتلاف

از بین بردن کلی یا قسمی اشیاى منقول یا غیر منقول متعلق به غیر بدون مجوز قانونی که بطور قصدی صورت گرفته باشد.

اتلاف اسناد رسمی

عملی که منجر به از بین رفتن اوراق و اسنادی میگردد که در دفاتر رسمی موجود و یا ثبت باشند.

عقد بیع

مفلس چا ته وایی

د تجارتی بریکرو د ریاست لخواه کله چی وغوښتل شی چی د مفلس مال د طلبکارانو په مینځ کښی تقسیم یا خرڅ شی د دغه اصولنامه د ۷۲ ماده په اساس د لاس تنگی تاجر د نغدی او جنسی دارایی حاصل او د ده د مالو او غیر منفولی ملکود د خوځونی حاصل د هغو مصارفو له وضعه کولو نه وروسته چه د لاس تنگی د چارو په اداره باندی او یا پخپله د تاجر په توبینه او گذاره او نورو شیانو کښی لیکدلی وی دغه ټول حاصل د هغو پور غوښتونکو په مینځ کی چه حقونه یی تصویق شوی دی

سیراکتشاف وکالت در...

و آنگاه که به خود آمد، خود را فردی ضعیف و شکست خورده یافت و با خود عهد کرد که به پرورش قوای فکری، فن بیان و خطابه پرداخته و تا استغای قوتش از پای نماند... این بود که در غاری به تنگای فضای جسم خود پناه برده، سقف و کف و دیواره های غار را با تیغ و نیزه و دیگر اشیاء تیز و برنده آنباشت تا چنانچه در تحرین خطابه هر کس ناموزون و نامناسب با الفاظ و کلمات و فنون بیان از وی سرزد... با سوزش نغی خود را منبسط نماید و... این بسود که در اثر کوشش و مجاهدت فراوان به داد گاههای یونان قدیم بازگشت و سر انجام حقوق باپمال شده خود را احیا نموده، مظهر ظلم ستمیزی و دفاع از حق و نمادی از عزت و سربلندی برای احقاق حقوق ضعیفا و بی پناهان گردید.

یکی دیگر از سخنوران و حقوقدانانی که با مقالات، مراسلات و خطابه های آتشین خود سهم به سزایی در تحولات یونان و مبارزات اجتماعی ایفا کرد، مارکوس تولیوس سیسرون که حدود ۲۰۰۰ سال قبل در سال ۱۰۶ قبل از میلاد در آرپتیوم در یکی از شهرهای قدیم روم متولد شده و در ۳۳ سالگی رساله ای در فن فصاحت نوشت و در ۲۷ سالگی اولین نامه مشهور خود را منتشر نمود بود، در بیان صحیح مفاد قانونی، سیسرون از موهبت آشنایی به قانون و فن سخنوری به حد کمال برخوردار بود.

مفهوم انسانیت در حقیقت مدار همه مباحث سیسرون است، انسانیت هر آن چیزی است که غرایز حیوانی را دگرگون سازد و به صورتی که با تمدن انسانی مطابقت جوید در آورد. از ادب و ممانت گرفته تا قوام عدالت که دشمنان نیز اگر بشناسند باید آنها را در برابر یکدیگر رعایت کنند.

سیسرون، وقاداری آگاهانه به این شهر و جهانی یعنی جامعه بشری را بلند کرد که ترین آئین اخلاقی می داند و در عین حال تأکید می کند که وفاداری به مین و زواد گاه نیز احساسی بر ارجح است ولی از تعهد او در برابر جامعه بشری ریش می گیرد. پس افراد نباید اطاعت از قانون را به صرف این که از جانب دولت وضع شده است بخرود فرض بداندند.

سه ویژگی بارزی که از پیدایش وکالت در نهاد و ذات مردان این حرفه بوده است و می تواند درسی برای همه آسانی باشد که با آزمان وکالت پیمان حیات و خون بسته اند، آنست که وکالت با حق خواهی و ظلم ستمیزی، اهتمام در اصلاح امور اجتماع، دستگیری از ضعیفا و ایستادگی در برابر زور گویان و زورواران، مبارزه با مظاهر بی عدالتی، آزمان خواهی و ایستادن بر ستمندانی شعور انسانی با درک فلسفه حیات، گره خورده و بیوندی جاودانه دارد.

بررسی خاستگاه و منشأ پیدایش و ظهور وکالت و انگیزه های تجهیز به این فن همگی دلالت بر اهدافی به مراتب بسالا و بالاتر از چیزی شبیه خودخواهی های فردی، رفاه و جاه طلبی، امور روزمره و اعاشه و کسب روزی دارد. بررسی وضع اشخاص و مصلحان در تطور تاریخ و تحولات جوامع نیز بخوبی بیانگر نقش و جایگاه وکالت در رسیدن به اهداف و آرمانهای بلند انسانی و مهمات امور جامعه بوده و می باشد.

ادامه در شماره بعدی

اسماً در رم و یونان باستان که خاستگاه بزرگان آنتدینه بخصوص درعلم منطق و فلسفه بوده است، برای وکالت و قضاوت و مجامع قانونگذاری، شأن و مرتبه و ارزش خاص قائل بودند. در عصر جمهوری، فن سخنوری در روم توسعه فراوانی پیدا کرد و علتنش آن بود که دو شرط برای مطرح شدن فرد در فضای سیاسی ضرورت بود، اول آگاهی به مواد قانونی برای دفاع از خود و دوم بهره مند بودن از فن سخنوری. سوسطلا که در لغت به معنی فلسفه شناس است، بیشتر به کسائی گفته می شد که به کار وکالت دعایوی نیز اشتغال داشتند و گاهی نیز به سیاست می پرداختند.

وکالت دعایوی در رم باستان نیز به گونه فن ظریفی در آمده بود و رواج زیادی داشت و مردم برای اثبات حق و حقوق شان در محاکمه به کسائی که از قدرت بیان و استدلال بهره مند بودند واز قسوائین اطلاع داشتند وکالت می دادند تا در دعایوی مطروحه در محکمه از حق شان دفاع کنند...

لذا، یونان مکتب تربیت و پرورش وکلا و قضاات زبردستی بود که نام بسیاری از آنان مانند دموستن و لیکورگ و سوسطالیان و پریکلز در تاریخ حقوق به یادگار باقی مانده است.

به همین دلیل بایانکه در اعصار پیش از سقراط فلاسفه مکاتب قدرت و شهرت فراوان داشتند، معضلات و گرفتاری های اجتماعی بدست قضاات و وکلانی چون لیکورگ و سولون حل و فصل می شد.

۱- در آن دوران مردی به نام سولون به عنوان یک قاضی و وکیل آنگاه که زیانه های ظلم و تبعیض و بی عدالتی را در روح و جان جامعه خویش شعله ور می دید و غارت دسترنج و عایدات اقشار ضعیف اجتماع بدست زورمندان و صاحبان قدرت، تصاحب زمینهای زراعی و محصولات بنیوانان، فقر و شکاف طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت، تطاول و دست اندازی به زنان و دختران جوان بسیاری اطباء و التذاذ جنسی مردان مسن و ثروتمندان، سوزش تاز زیانه نابرابری و ستم بر پشست و پهلوی بردگان، مزدوران و انسانهایی که مالک خویش اند نیز بودند، را با عمق جان خویش احساس کرد، او را به اندیشه مبارزه با ظلم، احقاق حقوق مستدان و بی پناهان و اصلاح قسوائین ناعادلانه و تبعیض آمیز انداخت، وی کار خود را با این جمله معروف آغاز کرد که هیچ انسان متعادلی مخالف عدالت نیست زیرا هم مطبوع طبع انفیاست و هم مورد قبول نیست.

۲- دموستن دیگر خطیب و وکیل شهر آن است که از سال های ۳۲۲ تا ۳۴۲ قبل از میلاد می زیست و وی هم در یونان سرگذشتی عبرت آمیز و شیدنی دارد. او که حتی از فوه ناطقه عادی برای بیان خواسته ها و دفاع از خویش محروم بود، توسط زورمندان که قدرت وقت در دستشان بود و قوی ترین و کلا در اختیارشان بوده همه مالکیت و میراث اجدادیش در نانوای دفاع از خویش و قدرت و قوت تلقن و کلامی که با سحر بیان روز را شب و شب را روز جلوه می دادند از نزد وی گرفتند.

ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی احکام آتی در زمینه پیشبینی نموده است: "هر گاه یکی از عقدین در بیع و فای فووت نماید ورثه در احکام بیع و فای فای مقام او می گردد."

بیع فضولی

بیع فضولی عبارت از فروش ملک غیر بدون اجازه و رضایت شخص می باشد. ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی در این رابطه چنین مقرر می دارد: "شخصی که ملک غیر را بدون اجازه وی به شخص دیگری بفروشد، بیع منعقد و نفاذ آن به اجازه مالک موقوف می باشد در صورتیکه اجازه بیع نافذ و در غیر آن مالک می تواند فسخ آنرا مطالبه کند."

ویژگیهای بیع فضولی

در این بیع نفوذ معامله منوط به اجازه صاحب کالا است.

در صورت عدم اجازه مالک بیع فسخ و اگر خریدار از فضولی بودن بی اطلاع باشد می تواند کلیه خسارات وارده به خودش را از فروشنده مطالبه نماید. ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی در زمینه چنین مقرر می دارد: "هر گاه به فسخ بیع حکم صادر شود و مشتری از عدم ملکیت بیع در مبیعه علم نداشته باشد می تواند از بیاع جبران خسارت را مطالبه نماید گر چه بیاع دارای حسن نیت باشد." اما اگر خریدار از فضولی بودن مطلع باشد و با وجود اطلاع از آن اقدام به خرید کرده باشد در این صورت حق دریافت خسارت ندارد.

بیع معاظت

معاظت عبارت از بیعی است که در آن ایجاب و قبول لفظی، اشاره ای و کتبی وجود ندارد بلکه به صورت عملی داد و ستد انجام می شود. ماده ۵۰۹ قانون مدنی انواع اظهار اراده یا ایجاب و قبول را بدین کرده و یکی از اقسام ایجاب و قبول را داد و ستد عملی دانسته و صراحت ماده فوق را ذیلا مطالعه می نمایم: "اظهار اراده توسط گفتار، نوشته و یا اشاراتی که عرفا متداول باشد صورت می گیرد همچنان اظهار اراده به داد و ستد ی که بر حقیقت یک عقد صراحتا دلالت نماید صورت گرفته می تواند."

بیع موابحه

این بیع عبارت است از بیعی که در آن فروشنده ضمن بیان قیمت خرید مبلغی را به عنوان فایده مطالبه کند مثلا می گوید این کالا به مبلغ هزار افغانی خرید شده و با پنج فیصد نفع می فروشم.

بیع تویه

بیعی است که کالا را به همان قیمت که خریداری نموده به فروش می رساند.

بیع وضیعه

عبارت است از بیعی که کالا به کم تر از قیمت خریداری شده به فروش می رسد.

بیع معجل

در این بیع پرداخت ثمن فوری است

بیع مؤجل

در این نوع بیع برای پرداخت ثمن زمان مشخص و معین می شود مثلا در قسار داد ذکر می گردد که قیمت کالایک ماه بعد پرداخته شود. چنانچه ماده ۱۰۶۴ قانون مدنی ذیلا صراحت دارد: "بیع به ثمن معجل و مؤجل که مدت تا جیل آن معین باشد بدون در نظر گرفتن طول و قصر مدت جواز دارد همچنان شرط تعیین اقساط در ثمن که به مواعید معینه تادیه شود مجاز می باشد و اگر چنین موافقه به عمل آید که در صورت عدم تادیه قسط در میعاد معینه آن به ثمن معجل تبدیل شود نیز جواز دارد."

در بیع سلم باید جنس، نوع، وصف، مقدار، زمان تسلیم و محل آن معلوم باشد. چنانچه ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی ذیلا صراحت دارد: "در سلم شرط است که جنس، نوع، قدر، وصف و میعاد تسلیم مبیعه با قیمت ثمن و محل تسلیم مبیعه بیان شده باشد." نا مشخص بودن هر یک از این عناصر به جهت بی مبهمه و مصداق ضرر است و صحت این معامله را خدشه دار می کند. چونکه یکی از شروط بیع معلوم بودن مبیعه است.

ثمن در جلسه بیع تسلیم شده باشد در مورد ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی چنین تصریح می دارد: "بسیاری صحت بقای سلم شرط است که ثمن قبل از مفارقت متعاقبین حین مجلس قبض گردد."

هر یک از مشتری و بیاع تا ثمن و ثمن را تحویل نگرفته باشند حسب تصرف در آن را ندارد. طوریکه ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی در مورد مقرر می دارد: "سلم دهنده نمی تواند قبل از قبض در ثمن، و سلم گیرنده نمی تواند قبل از تسلیمی در مبیعه، تصرف نماید." با توجه به اینکه عقد بیع از جمله عقود تکلیفی بوده اما در بیع کلی، بیع از زمره عقود عهدی محسوب شده است و در عقود عهدی انتقال مالکیت بعد از اختصاص مبیعه یا تسلیم آن صورت می گیرد. در صورت که قبل از تسلیم اگر طرفین بخواهند در آن تصرف کنند به منزله تصرف در مال دیگران است. بنا بر این قانونگذار یکی از مختصات عقد سلم را عدم تصرف طرفین قبل از تسلیم قرار داده است.

در صورت که سلم دهنده قبل از تحویل فووت کند بیع حال و فوری می شود. ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی در این باره چنین مقرر داشته است: "مدت سلم به فووت سلم دهنده باطل می گردد نه به فووت سلم گیرنده و مبیعه از تر که سلم دهنده خریداری می شود." این امر به این دلیل است که در دیون یک قاعده کلی وجود دارد که با فووت مدیون کلیه دیون وی حال می گردد.

بیع وفا

بیع وفا عبارت است از بیعی که در آن فروشنده و خریدار حق استرداد یا مسترد کردن مبیعه را قرار دهد به این معنا که طرفین عقد در بیع وفا نیاز به شرط گذاشتن ندارند بلکه قانونگذار خودش این بیع را به گونه ای قرار داده است که هر زمان بخواهند حق استرداد مبیعه یا ثمن را دارند. ماده ۱۱۳۶ قانون مدنی در زمینه چنین مشعر است: "بیع وفا عبارت است از داشتن حق استرداد مبیعه برای بیاع و از ثمن برای مشتری."

ویژگیهای بیع وفا

بیاع و مشتری در این بیع حق فسخ و استرداد را دارند.

حق استرداد زمانی معین ندارد و نمی تواند معین شود قسبیکه ماده ۱۱۳۷ قانون مدنی در این مورد احکام ذیل را پیشبینی نموده است: "حق استرداد بیاع و مشتری مشروط و مقید به مدت شده نمی تواند. هر نوع موافقه که به خلاف آن صورت گیرد، باساطل شناخته می شود."

در بیع وفا مشتری در مبیعه حق تصرف دارد ولی حق فروش آنرا ندارد. ماده ۱۱۳۸ قانون مدنی در مورد چنین تصریح می دارد: "در بیع وفا مشتری می تواند از منافع مبیعه کلا یا قسما استفاده نماید، مشتری نمی تواند مبیعه را در بیع وفا به شخص دیگری بفروشد و یا ملکیت رقیه آنرا به سببی از اسباب به شخص دیگر انتقال دهد."

در بیع وفا در صورت فووت هر یک از طرفین ورثه قائم مقام او می گردد.



monthly Agahi Hoquqi

Ministry of Justice's Publication Organ

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
تحت نظر: هیئت تحریر
سر دبیر: درگاه فضائی
هیأت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه امانی، گلالی سنگر خیل عزیز، دوست محمد عارف شفیق الله تپی زاده و محمد عارف صباح
دیزاینر: سید عابد مخمور seyed_abid1@yahoo.com
گزارشگر: بشیر احمد عزیز
آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی
آدرس اینترنتی: www.moj.gov.af پست الکترونیکی: agahihoquqi@gmail.com
شماره تماس: 0752 042 275 (93+) 700 034 338 (93+)

سال هفتم

شماره ۱۱۹

۳۱ ثور ۱۳۹۲

۲۱ * 2013

may



تدویر ورکشاپ تحت عنوان (اکتشاف ظرفیت مسلکی زنان در وزارت عدلیه)

مفلس چا ته وایی

قسمت دوم

د پور غوښتونکو د غوښتنو په تشخیص کتنی هر کله چی تاجر یا تجارتي شرکت د افلاس حکم تر لاسه کړ د لاس تنگی له حکمه وروسته باید ټول پور غوښتونکی د اخطار او اعلان په واسطی چه په روزنامو او محلی جریدو کتنی د ټاکلی هیت له خوا د ۲۶- اصل سره سم خپریږی د خپلو مطالبو سندونه په خپله یا د هغه تصدیق شوی نقل سره له هغه فهرسته چی د ټولو مطالبو اندازه پکښی وی د تجارتي جکړو د پریکړی د اجرائی دفتر ته و سپاری او رسید اخلی او د پور غوښتونکو د غوښتنو په تشخیص کی لاندی سندونه اساس کتل کیږی.

الف - شرحی سندونه او د تجارتی جکړو د پری کړی د زی استو رسمی سندونه ، چچتونه قرار دادونه او داسی نور .
ب: د لاس تنگی تاجر د ترتیب شوو دفترو مندرجات .
ج: د مقابل لوری د ترتیب شوو دفترو مندرجات .
د: عرفی او تجارتي سندونه او د حساب صورتونه چه د ټاکلی هیت قناعت پری راشی او د تجارتي جکړو د پریکړی مرکه یی هم تایید او تصدیق و کړی .

ادامه در ص ۳۱

سیر انکشاف و کالت در ادوار مختلف تاریخ بشری

قسمت دوم

و کالت در یونان: مشارکت اصلی از آن روم و در فاصله زمانی میان ۲۰۰ پیش از میلاد تا ۶۰۰ میلادی صورت گرفت. فرض این بود که شهروند رومی یا یونانی از قوانین عرفی آگاهی داشته و میتوانسته آن را در قراردادها یا در محاکم شخصی و یا بهره گیری از توصیه اطراف اعمال کند. قانونی که در ۲۰۴ پیش از میلاد به تصویب رسید، و کلا را از دریافت حقالزحمه متنوع میساخت اما این مقروه به نحو گستردهای متروک مانده و کلا رفته رفته منع دریافت اجرت توسط امپراتور کلاودیوس لغو شد و وی و کالت را به عنوان یک حرفه به رسمیت شناخت و به وکیلان رومی اجازه داد تا نخستین وکلایی باشند که آزادانه فعالیت میکنند. البته وی مبلغ ۱۰ هزار سکه نقره رمی را به عنوان سقف تعرفه و کالت تعیین کرد .

ادامه در ص ۳۱

ورکشاپ در ورزه ای تحت عنوان اکتشاف ظرفیت مسلکی زنان کارمند در وزارت عدلیه روز شنبه ۱۳۹۲/۱۳/۳۱ به ابتکار آمریت جندر وزارت عدلیه و همکاری وزارت امور زنان و دفتر یوان دی بی در تالار کنفرانس های آن وزارت تدویر یافت.

دین ورکشاپ سید محمد هاشمی معین اداری وزارت عدلیه، نجیب الله جامی رئیس منابع بشری آن وزارت، نماینده های وزارت امور زنان، نماینده دفتر یوان دی بی و جمعی کثیری از کارمندان انات وزارت عدلیه اشتراک نموده بودند که مشکلات و چالش های فرا روی زنان درین اداره مورد بحث و بررسی همه جانبه قرار گرفت.

ابتدا سید محمد هاشمی معین اداری وزارت عدلیه پیرامون موضوع صحبت نموده و از اشتراک کنندگان این ورکشاپ خواست

که درین ورکشاپ فعالانه سهم گرفته و ازین فرصت ها استفاده اعظمی نمایند و همچنان از آنها خواست که بیشتر روی تحصیلات عالی (دوره های لیسانس و ماستری) تمرکز نمایند و در رقابت های که جهت استخدام کارکنان برگزار میگردد فعالانه سهم گرفته و دیگر خانم ها را نیز تشویق نمایند که درین رقابت ها سهم بگیرند تا ما شاهد حضور و پیشرفت چشم گیر زنان درین وزارت باشیم.

اشتراک کنندگان ضمن بحث و بررسی مشکلات و چالش های زنان در وزارت عدلیه، طرح ها و پیشنهاداتی را جهت رفع آنها در طی ۹ ماده تنظیم و به معین وزارت عدلیه تقدیم نمودند و از مسوولین مربوط خواستند تا در جهت رفع آنها تلاش نمایند.

در اخیر معین وزارت عدلیه به پیشنهادات ارائه شده جوابات مقتضی ارائه نموده و وعده نمود که در حد توان و امکانات دست داشته وزارت عدلیه در حل این مشکلات و بر آورده شدن پیشنهادات شان اقدام خواهد گردید.

عقد بیع

قسمت دوم

اقسام بیع

اندریشتندان علم حقوق عقد بیع را در عناوین مختلف تقسیم نموده اند عقد بیع به اعتبار موضوع یعنی ثمن و ثمن به معلق، مقایضه، صرف ... منقسم شده است:

بیع مطلق
در عقد بیع اگر کالا (مبیعه) و ثمن (پول) و وجه نقد باشد به آن بیع مطلق گفته میشود.

بیع مقایضه یا معاوضه
مقایضه یا معاوضه عبارت است از بیع کالا به کالا مثلا شخصی موثر را یا خانه مبادله می کند، یا زمین را یا خانه ساخته شده تعویض می نماید یا خانه و کلابی چهار قطعه چهار دره را با منزل در منطقه کارته چهار تعویض می نماید.

حقوق برخی از کشور ها معاوضه را به عنوان یک عقد مستقل و جداگانه مطرح کرده است در حالیکه قانونگذار افغانستان معاوضه را یکی از اقسام بیع دانسته است.

از جمله خصوصیات عقد معاوضه می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

مبادله کالا به کالا است چنانکه ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی در زمینه ذیلا چنین صراحت دارد: "مقایضه عبارت است از بیع جنس به جنس".

هر یک از عوضین حکم مبیعه را دارد ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی در مورد چنین تصریح نموده است: "هر یک از اجناس متبادل در عقد مقایضه حکم مبیعه را داشته شروط مبیعه در آن اعتبار داده می شود. در حال وقوع منازعه در مورد تسلیم داد و ستد اجناس مذکور همزمان صورت می گیرد".

مصارف بین طرفین عقد به صورت مساوی تقسیم می شود. چنانکه ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی در این باره احکام آتی را پیش بینی نموده است: "مصارف عقد مقایضه به صورت مناصفه بالای طرفین عقد تحصیل می شود. مگر اینکه موافقه بنه خلاف آن صورت گرفته باشد".

بیع صرف
بیع صرف عبارت از مبادله وجه نقد با وجه نقد دیگر می باشد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی چنین می نگارد:

"صرف عبارت است بیع نقد به نقد" مانند مبادله پول افغانی به دالر امریکایی. فیض آن در جلسه بیع است یعنی قبل از آنکه طرفین از جلسه عقد خارج شوند قبض باید صورت بگیرد. ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی در زمینه چنین صراحت دارد: "برای صحت صرف شرط است که بدین قبل از تفریق متعاقبین قبض گردیده و عقد از خیار شرط و تأخیر خالی باشد".

بیع سلم یا سلف
سلم عبارت است از فروش بیعی که در آن ثمن معجل و فوری است اما مبیعه و ثمن زماندار و مؤجل است بیع سلم در کلی فی ذمه (مقتدار، اندازه زمان مکان و سایر اوصاف مبیعه) جریان دارد و معمولاً محصولات زراعتی به شکل بیع سلم فروخته می شود. بطوریکه ماده ۱۱۲۴ قانون مدنی در زمینه ذیلا تصریح می دارد:

"سلم عبارت است از بیع ثمن عاجل. همچنان در ماده ۱۱۲۵ قانون مدنی چنین تصریح شده است، "سلم در اشیا بی صورت گرفته می تواند که مقدار و وصف آن ثنیت و تعیین شده بتواند."

ویژگیهای بیع سلم
سلم قسط در کلی فی ذمه جریان دارد و امروزه خریدهای که به صورت پیش بیع خرید انجام می گیرد در چوکات بیع سلم می باشد.

تا زمان تسلیمی مبیعه باید قابلیت موجود شدن را داشته باشد. چنانکه ماده ۱۱۲۶ قانون مدنی در مورد چنین اشعار می دارد: "برای صحت سلم شرط است که محل عقد عله و اتمال آن بوده و از حین عقد الی وقت تسلیم موجود شده بتواند". بنا بر این لازم نیست مبیعه در زمان عقد وجود داشته باشد امکان وجود آن در زمان تسلیم کافی است. اما اگر عقلا و منتظفا امکان وجود آن در زمان تسلیم وجود نداشته باشد این عقد صحیح نمی باشد.

ادامه در ص ۳۱

بیع به ایجاب و قبولیکه معنی تملیک و تملک را افاده نماید با تعیین مبیعه و ثمن منعقد می گردد

ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی افغانستان